

### متن پرسش

سلام علیکم استاد عزیزم از خدمتتون سوالی داشتم در بحث حرکت جوهری به این جا رسیدم که دائماً باید فیض از بالا برسد تا عالم بقا بیابد وگرنه عالم ماده عدم می شود اما مشکل این جاست که این سخن هنوز ما را گرفتار زمان می کند، می گوئیم دائماً باید اینگونه باشد و این یعنی ما داریم از درون زمان سخن می گوئیم در حالی که زمان خود انتزاع شده از حرکت است و به نظر می رسد لازمه ی فیض دائمی غیب متحرک باشد و گرنه وجود ثابت چگونه می تواند وجود متغیر به وجود آورد و این برای بنده بک تسلسل ایجاد کرده در مورد خود اصل حرکت جوهری احساس می کنم حرف مکانیک کوانتمی در فیزیک خیلی نزدیک به حرکت جوهری است درست است که فلسفه می تواند از جوهر سخن بگوید اما فیزیک صرفاً می تواند از عرض سخن بگوید اما مثل این که فیزیک به وسیله ی کوانتم به اعراضی از عالم رسیده که این اعراض فقط یک چیز نشان می دهند فقط و فقط حرکت ما در کوانتم همه چیز را ساخته شده از موج می بینیم و می گوئیم طبیعت را همین امواج می سازند اصلاً از چیزی که موج دارد سخن نیست بلکه از خود موج سخن است می خواستم نظرتان را در این مورد بدانم خداوند توفیقاتتان را روزافزون نماید

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در هر صورت ما در حرکت جوهری با جوهری روبه‌رو هستیم که عین حرکت یا عین قبول است و بقاء آن به ادامه‌ی فیض است حال اگر در کوانتم فیزیک به جایی برسیم که کوانتم عین موج است و موج را چیزی جز قبول و حرکت ندانیم به حرف حرکت جوهری نزدیک شده‌ایم وگرنه بالاخره این سؤال پیش می‌آید که چه چیزی است که به صورت موج ظهور کرده. موفق باشید